



جامعه و اقتصاد
دانش محور

۲



نخستین جشنواره زیتون
در کرند برگزار شد

۳



فساد تهدید واقعی ورزش
اسب دوانی است

۳

گلشن

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

سه شنبه ۸ آبان ماه ۱۴۰۳ / سال بیست و ششم / شماره ۲۸۶۵ / صفحه ۸ / ۲۵۰۰ تومان

یادداشت اول

به بهانه ۸ آبان، در گذشت قیصر امین پور

شاعر مردم

■ سید مهدی جلیلی

پشت میز سه نفر بودند و این طرف هم بیش از چهارصد و اندی و ما سه نفر. قیصر امین پور، سید حسن حسینی و سهیل محمودی. چهارصد و خرده ای دانشجو و سه نفر؛ مصطفی بصیری، علی محمودی و من. زمان و مکان هم پاییز ۷۹، اردوگاه شهید باهنر (کولکچال) بود. از همه دانشگاه‌های کشور منهای آزاد اسلامی، جمع شده بودیم اساسنامه کانون‌های فرهنگی، هنری و مذهبی وزارت علوم را تدوین و تصویب کنیم! خب کمی بعد از حادثه کوی دانشگاه اول بود و به گوشمان خورده بود که برنامه‌ای با این وسعت، برای دلجویی از دانشجویان است. بهترین‌های هر رشته هنری را هم هر روز می‌آوردند تا سخنرانی‌های تخصصی و گفت‌وگو داشته باشیم. از حسام‌الدین سراج و رسول صدرعاملی و ... برادر ما هدایت هم یکی از همین سخنران‌ها بود. پشت میز سه نفر بودند و این طرف هم ما سه نفر و بقیه. مصطفی جلودار ما بود و زیان‌دار و اهل مطالعه بلند شد و رو به آن سه نفر گفت: شما همه جا هستید و همه‌جا را گرفته‌اید از کتاب‌های درسی تا صدا و سیما و مجلات و کنگره‌ها و جشنواره و ... من و علی هم پشتش درآمدیم، هر کدام چیزی در ادامه حرف مصطفی گفتیم. سهیل محمودی به دفاع از قیصر و سید درآمد و سید حسن حسینی هم کمی همراه ما شد و به اعتراض که «من هم ناراحتم که مرا تا سال ۶۱ شاعر می‌دانند و شعرهای همان دوران را در کتاب‌های درسی می‌آورند» حرف‌های قیصر - که یک سال پس از آن تصادف اتومبیل عصا به دست داشت - اما برائت‌گونه بود. او گفت: «من سال‌هاست در هیچ جمع دولتی و غیردولتی شرکت نکرده‌ام الا به دعوت دانشجویان و جمع دانشجویان» و در جواب مصطفی که از برهانی و رویایی گفته بود و در واقع از دروغ دیر شناختن آنها در ازدحام تبلیغات شاعران موسوم به انقلاب گفته بود، به ستایش برهانی و رویایی و ارزش کار آنها پرداخت. بعد از برنامه هم نزدیک یک ساعت با ما نشست و غزل خوبی از مصطفی را نقد کرد و حتی دو پیشنهاد خوب هم داد...

ادامه در صفحه ۲



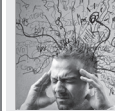
چرا شستن لباس‌ها هنوز هم خسته
کننده است؟

«۸»



کشف ۸۱۲ قطعه سکه عتیقه تاریخی
در علی آبادکتول

«۷»



چگونه موسیقی و فیلم
افکار و رفتار ما را شکل می‌دهند؟

«۶»

آیت... نور مفیدی نماینده ولی فقیه در استان گلستان

کشور کار می خواهد



اشاره: پایگاه اطلاع رسانی جماران با آیت‌الله نورمفیدی، امام جمعه محترم گرگان و نماینده حضرت امام و مقام معظم رهبری در گلستان به مناسبت یکم آبان سالگرد ابلاغ حکم حضرت امام با ایشان گفت و گویی انجام داده است که بخش‌هایی از آن را می‌خوانیم.

آشنایی با امام

بسم الله الرحمن الرحیم. من تقریباً تازه وارد حوزه و تازه طلبه شده بودم که با حضرت امام آشنا شدم. در سال ۳۱-۳۲ من وارد حوزه شدم، حدوداً سال ۳۴ بود که این آشنایی صورت گرفت. بعضی از روحانیونی که تابستان‌ها از قم به منطقه ما می‌آمدند، از امام خیلی می‌گفتند. آن وقت‌ها امام سر زبان‌ها نبود اما آنهایی که شاگردان امام بودند، به درس امام می‌رفتند و با امام آشنایی داشتند، از امام و شخصیت ایشان خیلی می‌گفتند. من در آن موقع که نوجوانی بیش نبودم، یک علقه‌ای در لدم نسبت به امام پیدا شد. هرچه زمان جلوتر آمد، این علاقه نه تنها تغییر پیدا نکرد که بیشتر و محکم‌تر شد. بعد از چهار پنج سالی که اینجا

بودم، یک سال رفتم مشهد و ادبیات را در مشهد پیش ادیب نیشابوری خواندم. بعد از مشهد به قم آمدم و مشغول درس‌های سطح حوزه علمیه شدم. وقتی تازه به قم رفتم، هنوز در آن سطحی نبودم که در درس امام شرکت کنم. آن موقع لمعه و امثال آن را پیش مرحوم آقای ستوده می‌خواندیم. امام آن موقع در مسجد سلماسی درس خارج اصول می‌گفتند و من به خاطر علقه‌ای که به حضرت امام داشتم، می‌رفتم جلو مسجد، می‌خواستم وقتی که امام بیرون می‌آید، چهره امام را ببینم. بنابراین، علقه من با امام این طوری بود و این از همان چیزهایی است که خدا در دل آدم می‌اندازد؛ به نظرم چنین

رابطه‌هایی را خدا ایجاد می‌کند. بعد که جریان نهضت امام شروع شد این علقه بیش‌تر شد؛ دلیلش هم این بود که هرچه زمان جلوتر می‌آمد، شخصیت امام روشن‌تر می‌شد و به قولی، شخصیت امام از حجاب بیرون می‌آمد و عطر وجودی امام بیشتر پراکنده می‌شد و بیشتر نیروها را جذب خود می‌کرد. شخصیت امام هم یک شخصیت فوق‌العاده‌ای بود. من نمی‌توانم بزرگان شهدای اخیر غزه، لبنان و ایران را به کسی تشبیه کنم، اما می‌توانم بگویم که اینها دست‌پورده‌های منش، روش و شخصیت امام بودند. اگر ما بخواهیم امام را به چیزی تشبیه کنیم و چیزی درباره‌اش بگویم، باید بگویم

ادامه در صفحه ۴ و ۵



خبر

بارآوری ۲ گونه بذر گیاهان زینتی در دانشگاه آزاد اسلامی



مدیرعامل شهرک گلخانه‌های فرهیختگان سرای نوآوری گیاهان زینتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان گفت: محققان و متخصصان شرکت‌های دانش‌بنیان این دانشگاه مستقر در شهرک گلخانه‌های موفق به ساختن ۲ گونه بذر گیاهان زینتی شدند. به گزارش روابط عمومی، محسن تجری اظهار کرد: آذنیو و افوریباوگوری این ۲ گونه تولید شده بذری هستند که بیشتر از خراج وارد می‌شود. وی بیان کرد: در این شهرک، سه شرکت دانش‌بنیان مستقر هستند که اعضای یکی از آنها موفق به تولید قارچ کش طبیعی شده که این محصول روی بذر جواب داده و در حال ثبت اختراع است. وی خاطرنشان کرد: همچنین یک شرکت دیگر عصاره اندام گیاهان زینتی را به دست آورده که در پیشگیری و درمان چنگار (سرطان) مؤثر است. مدیرعامل شهرک گلخانه‌های فرهیختگان سرای نوآوری گیاهان زینتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان افزود: همچنین برگ گیاهی از گیاهان موجود در شهرک گلخانه‌ای به مراکز هسته‌ای ارسال شده که در صورت پرتوهمی و اثربخش بودن بر روی گیاه، آن را نیز به ثبت خواهیم رساند. وی ادامه داد: همچنین این شهرک به عنوان راهبر شغلی مدجوبان کمیته امداد است و در این راستا تاکنون ۳۵ نفر در دوره احداث گلخانه شرکت کردند. وی اضافه کرد: ضمن آموزش رایگان، تضمین خرید تولیدات مرغوب آنها را هم انجام می‌دهیم. مدیرعامل شهرک گلخانه‌های فرهیختگان سرای نوآوری گیاهان زینتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان گفت: مساحت این شهرک پنج هکتار است که ۳۷ هکتار آن سرپوشده بوده و در ۳۷ گلخانه، ۳۰۰ نوع گل و گیاه زینتی وجود دارد. تجری بیان کرد: این گلخانه ضمن ارسال محصولات خود به کشورهای ترکیه، قرقیزستان و حتی کره جنوبی میزان ۷۰ میلیارد ریال درآمدزایی داشته است. وی یادآور شد: نمونه این شهرک با این مقدار تنوع گل‌های زینتی، در هیچ مرکز علمی و تحقیقاتی وجود ندارد.

ادامه یادداشت

بعدها نوشت:

اکنون که پا به روی دل ما گذاشتید

پس دست بر دلم مگذارید و بگذرید

ممنوع‌الکاری سید حسن حسینی هم موجب شد که

عمله آثار چاپ شده از او، بعد از مرگش منتشر شود.

این رویارویی‌های با آنان هم، آغاز برآمدن نسلی از

شاعران و مخاطبان بود که کم‌کم از وزی تبلیغات‌ها،

انواع دیگری از نگاه‌ها و شعرها و شیوه‌های سرودن را

پیدا کرده بودند. رویارویی دو نسل متفاوت. رویارویی‌هایی

که رویه و روشی دیگر را حتی در قیصر و حسینی

موجب شد. رویه‌های که در قیصر نویسنده و شاعر

کودک و نوجوان، پس از جفا شدن از حوزه هنری در

سال ۷۰، «بی‌پال پریلن» را آفرید که رگه‌های نقد و

اعتراض در آن آشکار است. در غزل‌ها هم همین‌طور؛

سرایا اگر زرد و پژمرده‌ایم

ولی دل به پاییز نسپردیم

چو گلدان خالی، لب پنجره

پُر از خاطرات ترک خورده‌ایم

اگر داغ دل بود، ما دیده‌ایم

اگر خون دل بود، ما خورده‌ایم

اگر دل دلیل است، آورده‌ایم

اگر داغ شرط است، ما برده‌ایم

اگر دشمنی دشمنان، گردنیم!

اگر خنجر دوستان، کرده‌ایم

گواهی بخواهید، اینک گواه:

همین زخم‌هایی که نشمرده‌ایم!

دلی سربلند و سری سر به زیر

از این دست عمری به سر برده‌ایم

حوزه فعالیت قیصر، وسیع است؛ سال‌های سال، در

شورای سردبیری «سروش کودکان» از بهترین مجلات

کودکان آن دوره با فریدون عموزاده خلیلی و بیوک

ملکی همکاری کرد مجموعه‌های شعر و نشر ادبی

برای کودکان و نوجوانان او در زمره آثار خوب برای

کودکان و نوجوانان است. از آن میان می‌توان به مثنوی

پیش از اینها فکر می‌کردم خدا

خانه‌های دارد کنار ابرها

در کتاب «به قول پرستو» اشاره کرد.

چندین دفتر شعر بزرگسال شامل، دوبیتی و رباعی و

غزل و نو و ترانه‌هایی که با صدای علیرضا افتخاری،

محمد اصفهانی، ناصر عبداللهی، حسام‌الدین سراج، رضا

یزدانی، محمد معتمدی و ... خوانده شده که از آن میان

آلبوم «سیلوفرانه ۱ و ۲» از پرمخاطب‌ترین آلبوم‌های زمان

خود بودند. قیصر تعدادی ترانه لری بختیاری هم دارد که

از محبوبیت خاصی در بین بختیاری‌ها دارد. کتاب‌های

پژوهشی او «سنت و نوآوری در شعر معاصر» که پایان‌نامه

دکتری او به راهنمایی دکتر شفیع کلکنی است و «شعر و

کودکی» درباره ارتباط این دو و زبان، دو اثر ارزشمند اوست.

قیصر امین‌پور، شاعری بود که در بین شاعران موسوم به

«غزل جمهوری» - که رحمت موسوی این نام بامسما را بر

دوره‌ای از غزل پس از انقلاب اسلامی گذاشته، - به فرم و

زبان، بیش از همه سلیکانش توجه داشت. بلاغت در شعر

او چنان در زبان صمیمی‌اش حل شده است که بدون

دقت، به چشم نمی‌آید، درست مانند ویتامین در سیب

و مهم‌تر از همه اینها، او شاعر مردم بود و درست به

همین علت است که از نادر شاعران انقلاب است که از

پس این همه سال، هنوز از مخاطباتش کم نشده است.

تصادف شدید اتومبیل در سال ۱۳۷۸ و بر اثر آن دچار

شدن به نارسایی کلیه و بیماری قلبی و ۸ سال مقاومت

و سرانجام مرگ زودهنگام در ۸ آبان ۱۳۸۶ در ۴۸ سالگی،

پایان عمر یکی دیگر از شاعران معاصر ما بود. جالب اینکه

سید حسن حسینی، یار غار او هم در همین سن، سه سال

پیش از او از انزوای خویش، رخت به جهان کشیده بود.

جامعه و اقتصاد دانش محور

آموزش و توسعه وجود دارد. پاسخ یا فرضیه اولیه این است که آموزش به عنوان یک متغیر مستقل، لازمه توسعه و مخرج مشترک تمامی جوامع توسعه یافته است. (نویسنده، ارجمند سیاه‌پوش ۱۳۸۸، ۸۰). از این رو توسعه کلیه عوامل مؤثر در بهبود شرایط زیستی؛ یعنی عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه را بر می‌گیرد. علم‌زیربنای هر حرکت و تحول بنیادی به شمار می‌آید. شولتز در اهمیت علم و پژوهش‌های علمی بیان می‌دارد که از سال ۱۹۵۱ تاکنون هزینه‌های پژوهشی در جهان ۵ برابر شده است. می‌توان گفت تفکر علمی و رشد علمی موجب تحولات و پیشرفت‌های وسیعی در زمینه‌های اقتصادی، صنعتی، اجتماعی و فرهنگی شده است که فقدان یا کمبود آن از موانع توسعه ملی به شمار می‌آید. اگر جامعه‌ای از تفکر علمی و اختراعات صنعتی باز ایستد و یا حتی قدرت تولید آن را نداشته باشد، نمی‌تواند به مرحله‌ای از توسعه نایل آید. بنابراین ما ناکزیریم که خود را برای اتخاذ یک رهیافت بلند مدت در توسعه علم و فناوری آماده کنیم. این کار باید براساس ارزیابی موقعیت فعلی فناوری کشور، قابلیت‌ها و استعدادها، آرایش‌ها و تمایلات آینده، فرصت‌های اقتصادی مناسب صورت گیرد. بنابراین علم به عنوان محور توسعه جوامع بشری است و برنامه ریزی برای رسیدن به توسعه بدون اتخاذ شیوه‌های علمی نمیتواند تدوین شود.

به چنین موقعیتی باید آگاهی‌های لازم درباره نقش تعیین کننده دانشگاه‌ها در برنامه‌های توسعه افزایش یابد؛ به عبارت دیگر، ما باید به سمت جامعه‌ای خواهان توسعه، حمایت‌کننده و آگاه به نقش علم در تولید دانش و فناوری حرکت کنیم. واژه توسعه اگرچه مفهومی عام و قدیمی است و سابقه آن به شروع زندگی انسان باز می‌گردد، اما شکل و محتوای آن در دهه‌های اخیر از شدت، سرعت و کیفیت روزافزونی برخوردار گردیده و به صورت مخرج مشترک تمامی مسائل علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فنی درآمده و متضمن تغییرات اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و حتی آداب و رسوم است. با این برداشت، توسعه چیزی بیش از نوسازی و رشد اقتصادی خواهد بود. اگرچه توسعه اقتصادی به مفهوم مادی و ابزاری آن به سبب شاخص‌های عینی‌تر بر توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی غلبه پیدا کرده است، اما باید اذعان داشت که پیشرفت هر ملت تنها وابسته به افزایش درآمد ملی نیست بلکه این امر مستلزم توسعه در همه ابعاد از جمله افزایش سطح آگاهی، بلوغ فکری، فرهنگی و سیاسی، و تحول و دگرگونی در همه ابعاد زندگی است. با این رهیافت، توسعه به مثابه سایر پدیده‌ها، متغیر وابسته‌ای است که علل و عوامل مختلفی در آن نقش آفرین‌اند یکی از مهم‌ترین این متغیرها، مسئله آموزش است. حال باید پرسید چه رابطه‌ای بین

اصلی‌ترین عامل تعیین‌کننده پیشرفت و توسعه جامعه در شرایط متحول کنونی جهان، میزان برخورداری از نیروی انسانی کارا و خلاق است که این خود به میزان برخورداری جوامع، از دانش، آموزش و پژوهش بستگی دارد. برتری یک کشور بیش از آن که به منابع طبیعی یا ظرفیت‌های موجود صنعتی متکی باشد، به میزان بهره‌مندی آن کشور از علوم و فنون که حاصل توسعه علمی است و نیز به پویایی نظام آموزش عالی آن کشور وابسته است نظام آموزش عالی نقش اساسی و محوری در فرایند توسعه ملی و ایجاد موازنه بین ابعاد مختلف توسعه یافتگی کشور دارد. سرمایه‌گذاری اصولی در این بخش نقش مهمی در ایجاد امکانات و تسهیلات برای نسل‌های آینده و اقدام صحیح در جهت توسعه علمی کشور ایفا میکند. بررسی‌های بی‌شماری که در زمینه دستاوردهای کشورهای توسعه یافته و تازه توسعه یافته صورت گرفته است، برای ما آشکار می‌سازد که چگونه این کشورها با تبیین اهداف و مشخص کردن مقاصد خود در زمینه‌های علم و فناوری در جهت دستیابی به سطوح بالای پیشرفت و توسعه حرکت کرده‌اند. هر عامل مشترکی که در توسعه یافتگی موفقیت‌آمیز آن‌ها وجود داشته باشد، بدون تردید یکی از آن‌ها، کسب توانایی‌ها و مهارت در علم و فناوری است. بنابراین برای دست‌یابی



دکتر علی فزلسفلو

اگرچه، سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران عرصه‌های ملی کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، به اهمیت و نقش دانشگاه در شتاب بخشیدن به فرایند توسعه، اعتراف دارند، اما در عمل، به ویژه آن‌گاه که سخن از مشاوره دادن به دولت‌ها، بخش صنعت و حیات فکری جوامع و در نتیجه، سرمایه‌گذاری در آموزش عالی است، این باورها کم‌رنگ میشوند. توسعه در معنای وسیع و کلی آن که اقتصاد، فرهنگ، سیاست و سایر شئون یک جامعه را در بر می‌گیرد، به معنای بروز تغییر و تحول مثبت در یک معیار است که برای آن نحوی از ثبات و استمرار در نظر گرفته می‌شود. بدیهی است که هر گونه بحث در مورد توسعه و معنای آن بدون در نظر گرفتن بحث محوری تغییر و تحول ناقص خواهد بود.

گلشن

۰۱۷۳۲۲۴۴۳۰۲



خبر

نخستین جشنواره زیتون در کرند برگزار شد



نخستین جشنواره زیتون در شهر تازه تاسیس کرند از توابع بخش داشلی برون گنبدکاووس برگزار شد. به گزارش روابط عمومی، در این مراسم که عصر یکشنبه در آموزشگاه شهید دستمرد شهر کرند برگزار شد، شهردار این شهر مرزی گفت: هدف برگزاری جشنواره زیتون این شهر تجاری سازی و معرفی این شهر به عنوان شهر زیتون در استان گلستان است. عبدالغفور گل چشمه افزود: از ۲ سال پیش که شهر کرند تأسیس شد، تلاش برای معرفی آن به عنوان شهر زیتون در دستور کار قرار گرفت. وی اضافه کرد: این شهر ۷۵۰ هکتار باغ زیتون دارد که چشم انداز بلندمدت، گسترش آن تا هزار هکتار است. گل چشمه ادامه داد: شرکت تعاونی صحرای سبز کرند متولی باغ‌های زیتون این شهر است که هزار و ۶۰ عضو دارد. به گفته وی، هم اکنون عملیات فراوری زیتون و نیز گل محملی در این شرکت تعاونی انجام می‌شود. شهردار کرند همچنین گفت: امسال از باغ‌های این شهر ۳۰۰ تن زیتون روغنی و ۵۰ تن زیتون کنسروی برداشت شد.



صادرات غیرنفتی

به ۲۴۵ میلیون دلار رسید

مدیرکل گمرکات گلستان از صادرات افزون بر ۳۷۷ هزار و ۱۵۱ تن گمرکات کالا از گمرکات این استان به ۳۶ کشور در سال جاری خبر داد و گفت: ارزش صادرات این مقدار کالا نزدیک به ۲۴۵ میلیون دلار بود. به گزارش روابط عمومی، شهردار شهریار افزود: وزن صادرات این مقدار کالای غیرنفتی از گمرکات گلستان ۲۴ درصد و ارزش دلاری آن ۴۴ درصد بیشتر از مدت مشابه سال قبل است. وی اضافه کرد: پد، پنیر، پسته فنلنی، انواع لوله و پروفیل آهنی، پلی اتیلن ویژه روکش سیم و کابل، میله آهنی، خوراک آماده آبزیان، پلی استایرن، پسته بادامی و طاقه نائلون ۱۰ کالای نخست صادراتی از گمرکات گلستان در هفت ماه گذشته بود. شهریار ادامه داد: در بین ۱۰ کالای نخست صادراتی از گمرکات گلستان، «پد» با ارزش دلاری نزدیک به ۱۸ میلیون دلار در رده اول، «پنیر» با ۱۵ میلیون و ۸۳۷ هزار دلار در رده دوم و «پسته فنلنی» با حدود ۱۵ میلیون و ۱۵۹ هزار دلار در رده سوم قرار داشتند. مدیرکل گمرکات گلستان همچنین گفت: کالاهای صادر شده از گمرکات این استان به ترتیب به ۳۶ کشور آسیایی و اروپایی شامل ترکمنستان، قزاقستان، عراق، ازبکستان، پاکستان، افغانستان، ارمنستان، بلغارستان، روسیه، ویتنام، رومانی، قزاقستان، ایتالیا، آذربایجان، امارات، قطر، تاجیکستان، گرجستان، ترکیه، صربستان، عمان، کامبوج، بحرین، کویت، لیتوانی و بوسنی هرزگوین بوده است. شهریار افزود: در هفت ماه گذشته ترکمنستان با نزدیک به ۸۳ میلیون و ۶۸۰ هزار دلار معادل ۳۵ درصد کل صادرات مقصد نخست صادرات کالاهای غیرنفتی از گمرکات گلستان بود.

ریاست محترم جمهوری با توجهات تخصصی و تجربی مدیریتی جهانی که در جنگها رخ داده است ابقاء فرمایند. در غیراینصورت عدم تدارکات تولیدات کشاورزی و تأمین امنیت غذایی کشور در شرایط جنگی را قطعاً وزارت جهاد کشاورزی را از بُعد تخصصی و مدیریتی محکوم خواهند کرد، هم اینک کمبود و گرانیهای محصولات کشاورزی و غذایی بویژه گوشت قرمز، مرغ و تخم مرغ، لبنیات که وزارتخانه فقط معطوف به واردات بیشتر شده است و گامی در افزایش تولیدات داخلی با انگیزه های برنامه ریزی شده هدفمند و سنجیده و سرمایه گذاری مضاعف بر نمی دارد و نظاره گر عاقل و باطل تولیدات داخلی است در واقع برنامه ای برای افزایش تولیدات داخلی مثل معاونت محترم زراعت که فقط هدفش گسترش تولیدات داخلی حتی در شرایط کم آبی رسیدن به خودکفایی و خودتکایی بویژه در محصولات استراتژیک مثل گندم بسیار تلاشگر و هدفمند رو به جلو حرکت می کنند، متأسفانه بی تعارف عرض کنم معاونت امور دام در عرصه خود کفایی گوشت قرمز هرگز حرکتی برنامه ریزی شده در رشد و توسعه تولیدات داخلی نداشته و ندارد تاکی باید ملت گوشت و مرغ وارداتی آفریقایی، هندی، پاکستانی، روسی بی کیفیت را بجای گوشت قرمز تولید داخلی مصرف کنند؟! علت ضعف مفرط مدیریتی و برنامه ریزی جامع و استراتژیک معاونت امور دام است که راحت ترین و پُر سود ترین روش یعنی واردات را پیش گرفته اند که در شرایط جنگی پیش روی چنین امکانات وارداتی نیست، پیشنهاد می کنم جناب وزیر تأکید جلی به معاونت امور دام و باغبانی که بدتر از امور دام است مبتنی بر برنامه ریزی استراتژیک افزایش تولیدات داخلی گوشت قرمز همچنین تولیدات سیب زمینی، پیاز، گوجه فرنگی که بعد از غلات غنای دوم و مکمل در جامعه هستند عنایت ویژه مرتباً با نظارت و ارزشیابی عملکردی را از سوی معاونت برنامه ریزی و امور اقتصادی داشته باشند.

تحلیلگر توسعه اقتصادی و برنامه ریزی کشاورزی

یافته باشد شکست قطعی است. یکباش افزایش اعتبارات نظامی امنیتی را ریاست جمهوری به نسبت در بخش کشاورزی و امنیت غذایی نیز بعنوان لازم و ملزوم شرایط جنگی در نظر می گرفتند. به عبارتی نگاه راهبردی و استراتژیک در عرصه ساختاری برنامه ریزی جنگی پیدا می کردند، بد نیست به استراتژی کلان امپراطوران تاریخی جهانگشا نگاهی داشته باشیم که قبل از اطمینان از ذخایر محصولات کشاورزی و غذایی هرگز اقدام به جنگ و جهانگشایی نمی کردند. در جنگ جهانی دوم تا زمانیکه آلمان مسلط بر تولیدات داخلی کشاورزی بویژه گوشت، سیب زمینی و غلات بود، پیروزی پشت پیروزی داشت. زمانیکه پس از ۵ سال مولدین تولیدات کشاورزی ناگزیر لباس رزم و جنگ پوشیدند و تولیدات کشاورزی با جدیت لازم پیگیری نشد، ناقوس شکست آلمان بدلیل بی غذایی سربازان که با تجهیزات نظامی گسترده به نزدیکی تصرف مسکو رسیده بودند بصدا درآمد و شکست آلمان نازی این بار با تصرف برلین از سوی سربازان شوروی سابق مجهز به امنیت غذایی مکفی و تجهیزات نظامی رقم خورد. ملاحظه می شود اتفاقاً در شرایط جنگی، استراتژی توسعه تولیدات کشاورزی و غذایی داخلی با سرمایه گذاری جامع دولتها بیش از تسلیحات هسته ای و نظامی اهمیت دارد که تا این لحظه مسوولین نظام فقط از بُعد تجهیزات نظامی گسترده به جنگ قریب الوقوع می نگردند که خطائی بزرگ استراتژیک است. حتی ریاست سازمان برنامه بودجه نیز در این شرایط بدش نمی آید به کشاورزی نگاه درجه دوم در تخصیص اعتبارات داشته باشد و امکاناً اگر زور مسوولین بالادستی نظام نباشد پرداخت مطالبات گندمکاران را نیز ملغی کند؟! لذا پیشنهاد می کنم مسوولین وزارت جهاد کشاورزی بویژه شخص جناب وزیر موقعیت استراتژیک بخش کشاورزی را در شرایط جنگی همچنانکه فرماندهان نظامی بر طبل افزایش بودجه اعتبارات تخصصی می کوبند که البته ضروریست ولی افزایش بودجه اعتبارات تخصصی بخش کشاورزی به مراتب در شرایط فعلی ضروری تر می باشد که باید به مسوولین اقتصادی نظام بویژه



نگاهی به راهبرد دولت در کشاورزی



علی تقی خانی

شائبه جنگ طولانی مدت بار دیگر مثل دفاع مقدس ۸ ساله، ضرورت حکم می کند شرایط بحرانی جنگی با پدافند غیرعامل منجمله ذخایر استراتژیک محصولات کشاورزی و غذایی با تجهیزات کامل انبارهای فنی نگهداری بیش از حال حاضر همگام با رشد و توسعه تولیدات داخلی ویژه محصولات استراتژیک با سرمایه گذاری مضاعف دولتی اجتناب ناپذیر است. همان اندازه که بودجه اعتبارات تخصصی نظامی مضاعف و چند برابر شده بدون تخصیص اعتبارات متقابل مضاعف و چند برابری حوزه کشاورزی و امنیت غذایی کشور در شرایط جنگی امری ناقص فاقد ارزش در حمایت از جامعه بویژه در مقابل دشمن مجهز و آماده است، غذا نباشد موشک و تسلیحات نظامی هراندازه زیاد و توسعه

فساد تهدید واقعی ورزش اسب دوانی است



اسبدوانی را باید به اهل این رشته سپرده شود. رییس هیات سوارکاری گلستان گفت: از سوی دیگر مسوولان غیرورزشی نباید در حوزه ورزش دخالت کنند. رزاقیان ادامه داد: افراد پاکدست باید وسط میدان باشند و از سلامت این رشته حمایت کنند. وی افزود: همچنین مسوولانی که در راس کار و در شهرستانها قرار می گیرند، نباید سفارشی باشند، بلکه رییس هیات استان، خود باید افراد را انتخاب کند. وی اضافه کرد: باندهای مافیایی دویینگ به شدت در اسبدوانی رخنه کرده، اما اگر یک نفر اشتباه کند، آسیب آن به مجموعه ما باز خواهد گشت. رییس هیات سوارکاری گلستان گفت: مسائل مادی کلان، پول و عنوان باعث شده تا شرایط فساد فراهم شود. رزاقیان با اشاره به این که هیات سوارکاری گلستان حدود ۲۰۰ ورزشکار سازمان یافته دارد، افزود: جمعیتی بین ۷۰ تا ۸۰ نفر از آنان چابکسوار بوده و در بخش اسبدوانی فعالیت دارند. وی ادامه داد: حدود ۱۰ باشگاه سوارکاری در استان داریم که بزرگترین و اساسی ترین مشکل و معضل آنان نداشتن مربیان کارت دار است.

دستگاههای نظارتی و امنیتی رصد و نظارت خود را کامل و با دقت بیشتری انجام دهند. رزاقیان اظهار داشت: ما به عنوان متولیان هیات و رقابت‌های اسبدوانی منکر وجود پیش‌بینی‌های غیرقانونی و فراقانونی نیستیم، اما معتقدیم نفوذ قمار و فساد به آدم‌های سالم (مالک، مربی و چابکسوار) هم ضربه می‌زند. وی بیان کرد: البته بسیاری از این افراد نسبت به این مساله توجیه و واقف هستند و تلاش دارند به این سمت وارد نشوند. وی در خصوص راه حل‌های این مشکل، خاطرنشان کرد: متولی گری سوارکاری و به خصوص

رییس هیات سوارکاری گلستان با اشاره به وجود سه نوع شرط‌بندی و پیش‌بینی در کورس‌های اسبدوانی گفت: فساد و قمار تهدید اصلی و اساسی این رشته محسوب می‌شود. به گزارش روابط عمومی، ناصر رزاقیان اظهار داشت: بخشی از پیش‌بینی‌ها قانونی است و در قالب مشارکت‌های مردمی انجام می‌شود. وی بیان کرد: میزان ورودی و خروجی و محل‌های هزینه شده درآمدی شفاف و روشن است. وی خاطرنشان کرد: بخشی از پیش‌بینی‌ها غیرقانونی بوده که در روزهای برگزاری کورس افراد در قالب گروه‌های مختلف در گوشه و کنار مجموعه‌های اسبدوانی انجام می‌دهند. رییس هیات سوارکاری گلستان گفت: بارها نیروی انتظامی اقدام به جمع‌آوری و پراکنده کردن این گروه‌ها کرده، اما باز هم شاهد این روش پیش‌بینی هستیم. رزاقیان افزود: البته نیاز است، قوه قضاییه و محاکم قضایی در برخورد با متخلفان این بخش به صورت جدی‌تر وارد شوند و احکام سنگین‌تری برای مجرمین توسط قضات صادر شود. وی ادامه داد: گروهی دیگر حتی فراتر از این

کشور کار

ادامه تیتراول

مرحوم آقای طالقانی نماز جمعه را در تهران برگزار کرد. در اینجا شروع کردم. لذا به اصطلاح معروف، من الآن قدیمی‌ترین امام جمعه‌ام و قبلاً هم همین‌طور بود. اگرچه حکمش بعداً اعلام شد. به‌هرحال، حضرت امام به من حکم قضاوت دادند و من مدتی در اینجا قاضی بودم. بعد از آن حکم امام جمعه و بعد هم حکم نمایندگی ولی فقیه را برایشان دادند که از همه مهم‌تر بود.

درباره نماز جمعه

نماز جمعه خودش یک نماز مهمی است و از نظر آیات شریفه قرآنی و احادیثی که ما داریم، نماز جمعه عبادت مهمی است. مسئله برگزاری جماعت در نمازهای یومیه مستحب است؛ یعنی آدم می‌تواند خودش به تنهایی آن را در منزلش یا در هر جای دیگری بخواند. اما در نماز جمعه این طوری نیست؛ نماز جمعه یکی از شرایط اجتماع است. این اجتماع شرط حداقل دارد که نباید از آن تعداد نفر کمتر باشد و اگر از آن کمتر باشد، اصلاً برگزار نمی‌شود. حداکثرش هم مثل همین نماز جمعه‌ای است که مقام معظم رهبری در تهران انجام دادند. پس خود این یک نکته‌ای بسیار مهمی است که نشانه اهمیت نماز جمعه است. بعد در روایات، مخصوصاً در روایتی که از حضرت رضا در منابع حدیثی ما است، آمده که نماز جمعه واجب شده است برای اینکه مردم جمع بشوند. امام رضا دو تا مطلب را اشاره می‌کنند: یکی اینکه مردم با معارف دینی آشنا بشوند. الآن هم معمولاً رسم است که در خطبه اول معارف دینی، اعتقادات، توحید که مهم‌ترین مسئله است، معاد اخلاق و مباحث مربوط به رفتار اسلامی مطرح می‌گردد. دوم اینکه نکات مهمی که مربوط به جهان اسلام است و مصالح و مضار امت اسلامی است، باید برای مردم بازگو بشود تا مردم آگاه و آشنا بشوند.

این هم خیلی مسئله مهمی است. در بعضی از روایات دارد که نماز جمعه مثل حج می‌ماند. شاید از یک جهت، مهم‌تر از حج باشد زیرا حج سالی یک‌بار اتفاق می‌افتد، ولی نماز جمعه هر هفته در روزهای جمعه برگزار می‌شود و مردم باید جمع بشوند تا در آنجا هم با معارف دینی آشنایی پیدا کنند و هم از آنچه که به مصلحت امت اسلامی است آگاه شوند و اینها باید در نماز جمعه بازگو بشوند. گرفتاری‌هایی که برای امت اسلامی پیش می‌آید، ضررهایی که متوجه امت اسلامی است گفته بشود، مصالح امت اسلامی گفته بشود و مهم‌ترین مسأله امت اسلامی که همان وحدت است، باید مورد تأکید قرار گیرد. من خودم شخصاً اعتقاد دارم این است و ما هم این را از اهل بیت عصمت و طهارت و پیامبر آموزخیم که امروز مسأله وحدت جامعه اسلامی از او واجب واجبات است. نماز جمعه باید مرکز این وحدت باشد. نماز جمعه باید بتواند دل‌ها را به هم نزدیک بکند. ائمه جمعه وظیفه حتمی‌شان این است که دل‌ها را به هم نزدیک کنند. امام جمعه باید برای همه پدر باشند نه اینکه در یک گروه وارد شود و به‌عنوان یک گروه خاص فعالیت کند. ائمه جمعه باید فراتر از این حرف‌ها باشند. بالاخره جایگاه امام جمعه یک چنین جایگاهی است. امام جمعه باید دامنش برای همه گسترده باشد تا همه احساس کنند که می‌توانند به او مراجعه کنند، با او حرف بزنند و درد دل کنند. این یک واقعیت است. ممکن است این جهت در بعضی جاها رعایت نشود و این اصلاً به صلاح نماز جمعه نیست.

اهمیت وحدت در جامعه

همان‌طوری که اشاره کردم، امام جمعه باید هم معارف اسلامی را درست بفهمد و هم آن را به مردم درست منتقل کند. بالاخره برداشت‌ها از آیات قرآن، روایات اسلامی و تاریخ ممکن است خیلی متفاوت باشد. یا آدم خودش این جهت را تشخیص بدهد، یا اقلاً شخصیت‌هایی را که مرجع و ملجاء هستند، الگو قرار بدهد. مثل خود امام، مقام معظم رهبری، شهید مطهری، شهید بهشتی، شهید محمدباقر صدر و امام موسی صدر که اینها نه فقط بلد بودند، بلکه صاحب تفکر بودند. اینجا دو مطلب است: یک مطلب این است که آدم خیلی از مسائل را بلد است، ولی اهل تفکر نیست. در این حالت، عالم اهل تفکر، اندیشه‌ورز و دارای مبنای فکری، می‌تواند برای چنین آدمی

بالاخره آلهایی که زمینه در آنها وجود داشت جذب شدند. در مورد پیامبر هم در تاریخ آمده است که وقتی مبعوث به رسالت شد، بیشتر کسانی که دوروبرش را گرفتند، جوان‌ها بودند. امام زمان هم که می‌آید، براساس روایات، اکثر یارانش جوان‌هایند و پیرمردها مثل نمک در طعام هستند. شخصیت امام یک شخصیت پیامبرگونه بوده همان‌طور که کفار مکه و دشمنان در مورد پیامبر می‌گفتند که جوان‌های ما را فاسد کرده است؛ آفسد شبانته؛ معلوم می‌شد که جوان‌ها به پیامبر گرایش پیدا می‌کردند، امام نیز یک چنین شخصیتی داشت. این نیست جز همان جاذبه معنوی و الهی و قلب پاک. واقعا قلب پاک همه را به طرف خود می‌کشاند.

پس آشنایی شما با خود حضرت امام در قم بوده است؟

بله. ما فقط امام را قبول داشتیم. یک گرایش خاصی در ما نسبت به امام وجود داشت که نسبت به دیگران چنین نبود؛ ولی اصلاً به دیگران بی‌احترامی نمی‌کردیم. وقتی جریان فراندوم شاه پیش آمد، روزی مرحوم آقای حاج شیخ حسن صناعی به من گفت فردا صبح بیما منزل امام. برای من این دعوت خیلی جالب بود. من به یخچال‌قاضی که منزل حضرت امام رفتم. آن موقع زمستان بود؛ یادم است که امام پشت کرسی نشسته بود و داشت مطلبی را می‌نوشت. وقتی وارد شدم و سلام کردم، رفتم دست امام را بوسیدم و مقابل امام نشستم. بعد معلوم شد که آن نامه را برای من می‌نویسند. به من فرمودند که این نامه را به منطقه‌تان - یعنی گرگان و دشت - ببرید. آنجا با علما صحبت کنید و به علما بگویید که شرایط خیلی خرابی است، همه باید قیام کنند اگر به خطر نیای‌شان هم است، باید در این قضیه قیام کنند. بعد نامه را به من دادند و من هم مجدداً دست امام را بوسیدم و بیرون آمدم. بعد آقای صناعی را دیدم که آمد و گفت امام گفتند که این نامه را با خودتان نبرید و من نامه را به محضر امام برگردانم. شاید این تصمیم به‌لحاظ مصلحت امنیتی بود؛ ولی حالا تأسف می‌خورم که کاش آن نامه را برای شخص خودم نگه می‌داشتیم؛ چون نامه تاریخی بود. بعد هم از قم به منطقه آمدم. علمای اینجا را جمع کردم و نظر امام را به آنها گفتم. اینکه بعد از آن چه گذشت، حالا بماند؛ ولی اجمالاً آن‌جوری که ما دل‌مان می‌خواست، متأسفانه نتیجه نگرفتیم. به هر حال تا زمان انقلاب ما رفت و آمد داشتیم و از هر فرصتی برای رساندن پیام امام و انقلاب استفاده می‌کردیم. من تقریباً سال ۵۴ بود که آمدم گرگان و ماندگار شدم. روزهای آخر قبل از انقلاب اینجا خیلی جریان‌اتی اتفاق افتاد. روز ۱۹ بهمن نیروهای مأمورین شهرتانی ریختند مغازه‌ها را آتش زدند و خیلی کارها کردند. وقتی که انقلاب پیروز شد نیز خیلی مسائل اینجا اتفاق افتاد؛ مردم جلو شهرتانی جمع شدند و هرکه از شهرتانی بیرون می‌آمد، دیگر رعایت نمی‌کردند و می‌زدند.

آن موقع شما در گرگان بودید؟

من اصلاً در همان صحنه بودم. ما هرچه داد می‌زدیم که راهش این نیست؛ اینها باید محاکمه بشوند و اگر کسی جرمی انجام داده، آن وقت باید محکوم بشود؛ اما این‌طوری برخورد کردن درست نیست. ولی کسی به این حرف‌ها گوش نمی‌کرد؛ از بس که جو احساساتی به وجود آمده بود. من آنقدر فریاد زدم که تا ملت‌ها بعد صلا می‌در نمی‌آمد. بعد آلهایی که اینجا مانده بودند، قرار شد که محاکمه شوند و برای این کار باید دادگاه انقلاب تشکیل می‌شد. ما به هرکسی که پیشنهاد دادیم زیر بار نمی‌رفت؛ ناچار من خودم پذیرفتم. آن وقت، امام به حکم و خط خودشان برای من به‌عنوان قاضی و حاکم شرع حکم صادر کردند. این غیر از حکم امام جمعه‌ای‌تان بود؟ وظیفه برگزاری نماز جمعه را من در همان روزی که



مسائل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را نقد کنیم، عیب ندارد؛ اما اینکه وقتی یک چیزی را دیدیم بعد بیاییم بدوبیرا بگوییم، این جایز در نماز جمعه نیست. در مجالس خصوصی ممکن است باشد؛ اما در نماز جمعه این حرف‌ها جایز نیست.

رویکردی برای مقابله با چالش‌ها

من اشاره کردم که مسأله وحدت و حفظ اتحاد در درون جامعه، مخصوصاً وحدت شیعه و سنی، اعتقاد و ایمان است. این مسئله برای من تاکتیک نیست؛ ممکن است برای خیلی‌ها تاکتیک و یک چیز مقطعی باشد؛ اما برای من نه؛ وحدت اسلامی برای من یک مسأله ریشه‌دار و عمیق است. از آیات شریفه قرآنی، از روایاتی که از ائمه مخصوصاً از امیرالمؤمنین سلام‌الله‌علیه به ما رسیده است و از سفارش‌هایی که بزرگان دین ما دارند، اهمیت بسیار زیاد این مسأله به دست می‌آید. وقتی یک چنین مسأله بسیار مهمی ما داریم، ابداً نباید بیاییم از آن به‌عنوان یک تاکتیک، مثلاً چون ناچاریم، استفاده کنیم و در پشت قضیه هم هرچه دل‌مان می‌خواهد بگوییم و انجام بدهیم. من به اعتقاد شخصی خودم اصلاً اینها را حرام می‌دانم. بزرگانی هم که بالاخره برای ما الگو بودند، مثل مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی رحمت الله علیه، به اهمیت وحدت اسلامی باور عمیق داشتند. روابط خوبی که ایشان با شیخ محمود شلتوت برقرار کرد، اینها حجت‌اند. این باعث شد که شیخ محمود شلتوت رئیس دانشگاه الأزهر که مرد بسیار بزرگی بود، فتوا دهد بر اینکه همه مسلمان‌ها می‌توانند از فقه امامیه هم تقلید کنند. این خیلی حرف بزرگ و مهمی است. ایشان آن وقت گفتند که مذاهب اربعه می‌توانند از فقه جعفری هم تقلید کنند. بنابراین، باید دید که اصلاً عقلائیت چه می‌گوید؛ آیا جامعه با اختلاف

الگو باشد. اینکه امام فرمودند شهید مطهری آنچه را که -حالا قریب به این مضامین- فرموده است، همه مطابق با اسلام و همه درست است. امام بالاخره حجت خدا بود و او چنین شهادتی داده است. مطلب دیگر هم این است که آدم خودش دارای تفکر و مبنای فکری است. در این حالت، باید به آیات، روایات و اندیشه‌های مختلفی که در مورد تفسیر آیات وجود دارد، مراجعه بکند. ممکن است یک آیه را چند جور تفسیر کنند. من امام جمعه باید ببینم آن تفسیری که امروز می‌تواند برای جامعه پیام داشته باشد، کدام یک از اینها است. اینها نکات مهمی است که منشأش تفکر است. اگر انسان تفکر نداشته باشد، صرفاً نقل می‌کند که فلانی این را گفته، فلانی آن را گفته و فلان مفسر آن را گفته است. چه با شرایط امروز وفق داشته باشد یا نداشته باشد. در حالی که نباید چنین باشد؛ زیرا «القرآن یجری کما تجری الشمس والقمر» قرآن همیشه تازه است؛ مثل خورشید و ماه. آیا خورشید هیچ‌وقت کهنه می‌شود؟ نه. وگرنه، تا خورشید هست، تازه است؛ نور می‌افشاند، حرارت ایجاد می‌کند و حیات می‌دهد. قرآن هم همین‌جوری است. بنابراین، به نظر من این نکته‌ای بسیار مهمی است که ائمه جمعه باید توجه کنند؛ یا خودشان صاحب تفکر و اندیشه باشند که بتوانند تجزیه و تحلیل کنند تا بعد به یک نتیجه‌ای برسند؛ یا اگر نیستند، به افکار و اندیشه‌های بزرگانی مثل این شخصیت‌هایی که عرض کردم، مراجعه کنند. البته نباید به هرکسی هم اعتماد کنند تا از آنها اندیشه و فکر بگیرند. به‌هرحال، این نکته‌ای بسیار مهمی است و این وظیفه بسیار مهم ائمه جمعه است. بعد هم امام جمعه باید آشنا با مسائل روز و رفتار نیک با مردم داشته باشند. گاهی آدم می‌بیند که بعضی در نماز جمعه می‌آیند علیه یک کسی حرف می‌زنند؛ بعد که از او سؤال می‌کنند، می‌بیند که هیچ منطقی ندارد؛ یعنی همین‌طوری از یک چیزی عصبانی شده و آمده یک مطلبی را گفته است. اگر هم آدم می‌خواهد نقد کند، اشکال ندارد؛ نقد کند؛ ولی نقد غیر از بدگویی است؛ نماز جمعه جای بدگویی نیست. اگر ما بتوانیم مثلاً

می خواهد

امام جمعه باید دامنش برای همه گسترده باشد

تا همه احساس کنند که می توانند به او مراجعه کنند، با او حرف بزنند و درد دل کنند

مسئله وحدت و حفظ اتحاد در درون جامعه، مخصوصاً وحدت شیعه و سنی، اعتقاد و ایمان است. این مسئله برای من تا کتیک نیست؛ ممکن است برای خیلی ها تا کتیک و یک چیز مقطعی باشد؛ اما برای من نه؛ وحدت اسلامی برای من یک مسئله ریشه دار و عمیق است

پیش می رود؟ قطعاً نمی تواند. خطبه های نهج البلاغه امیرالمؤمنین ببینید که امام می گوید هیچ کس به اندازه من، در میان امت اسلامی حریص تر برای اینکه دل ها را به هم نزدیک کند و اجتماع و وحدت به وجود بیاید، نیست. این امام ما است و ما باید از او یاد بگیریم. بعد هم می فرماید: «راید ابغی بئذک حسن الثواب و کرم المآب» من می خواهم با این مسئله به ثواب خدا برسم، پس یک مسئله اعتقادی و عمیق است؛ نه یک چیز تاکتیکی که امروز دم از وحدت بزنیم، ولی پشت سر یک کاری دیگر بکنیم و یا یک حرفی دیگر بزنیم که خلاف وحدت باشد. من براساس آیات قرآن، روایات، عقاید و سیره و گفتار بزرگان سبه قول علماء ائله اربعه کتاب، سنت، عقل و اجماع - عقیده ام و ایمانم این است. این مسئله را برادران اهل سنت ما هم کاملاً لمس کردند یعنی دیدند که نه، به قول امروزی ها، من زیگراکی عمل نمی کنم؛ آنچه می گویم در میدان عمل هم همین است. آن چیزی که در میدان عمل می کنم، همانی است که می گویم.

خاطره های از سختی های کار

من یک شب وارد مسجد شدم، دیدم شب نهم ربیع است. شب نهم ربیع را که می دانید چیست؟ بساطی درست می کردند. دیدم چراغانی کرده اند. وقتی وارد شدم، به مدیر مسجلمان گفتم چرا چراغانی کردید؟ گفت امشب شب نهم ربیع است. گفتم غلط کردید. بعد وسط نماز به یک روحانی که پشت سر من بود، گفتم پا شو و بگو امشب اولین شب امامت حضرت ولی عصر، امام زمان است. شاید اولین بار بود که این مسئله در کشور مطرح شده و من این مطلب را گفتم و این را هم خدا به ذهن من اتلاخت؛ برای اینکه من می دانستم همین مسئله به ترکمن صحرا هم در میان برادران اهل سنت هم منتقل می شود. آن وقت می گویند پس این هم دروغ می گوید و فقط حرف می زند.

ولی فقیه. در رابطه با این دو نامه هم توضیحی بفرمایید. حکم امامت جمعه که آمد، من قبلاً نماز جمعه را شروع کرده بودم؛ روزی که مرحوم طالقانی شروع کرد، ما اینجا نماز جمعه را در مصلاً شروع کردیم؛ البته با هماهنگی. منتها رسماً و کتاباً بعد صادر شده است.

احکامی که شما می فرمایید رسماً، تقریباً ابلاغ حکم به هفت هشت نفر از مرداد همان سال ۵۸ شروع شد، بعد چندتا در مردادماه ابلاغ گرفتند، بعد هم حضرت عالی در آبان ۵۸ و بعد از حضرت عالی، آقای طاهری اصفهانی، آقای سید روح الله خاتمی و آقایان دیگر ابلاغ گرفتند. بعد هم آن نامه ای که شما را به عنوان نماینده ولی فقیه در استان معرفی کردند. در آن نامه فرازهای مختلفی وجود دارد؛ از جمله همین نکاتی که حضرت عالی فرمودید: بحث وحدت و رفق و تفق اختلافات و درگیری ها. در حکمی که به مناسبت نمایندگی حضرت عالی صادر شد، فرازی وجود دارد که امام می فرماید در تمام اموری که نیاز به اذن ولی فقیه است، حضرت عالی مجاز هستید. در این زمینه هم اگر نکاتی است بفرمایید.

آن حکم به خاطر مسائلی که اوایل انقلاب در منطقه اتفاق افتاده بود صادر شد و مال اوایل انقلاب است. در اوایل انقلاب اینجا یک غلغلله ای بود؛ منافقین، چریک های فدایی خلق، اختلاف انگیزان بین شیعه و سنی و... اینجا مشغول بودند. اینجا ولوله ای بود خیلی شلوغ بود. بالاخره دو تا جنگ هم اینجا درست شد. همان قضاییایی که راجع به وحدت با اهل سنت گفتم و به خاطر همان نگاهی که نسبت به اهل سنت داشتیم، خیلی در آرام کردن منطقه مؤثر بود. ما از همان اول هم روابط مان با همه مردم به خصوص علما در ترکمن صحرا خوب بود؛ رفت و آمد خیلی خوب با همدیگر داشتیم. اینجا برولا و روشن هم بود. متأسفانه آن قضایای داخلی خودمان هم بود که من را خیلی اذیت می کرد. من یک وقتی خدمت حضرت امام رفتم و به ایشان گفتم که من دیگر خسته شدم، می خواهم به قم برگردم. ایشان فقط یک جمله ای گفت: بالاخره در سنگر نشستن ترکش هم دارد و شما الآن در سنگرند آمد وقتی در سنگر باشد، ترکش هم دارد. این سخن امام مثل این بود که انگار خدا یک روح جدیدی در من دمید و گفتم حالا می روم ولو بلغ ما بلغ؛ هرچه می خواهد بشود.

این در چه سالی بود؟

یادم نیست. حالا آن گروه ها یک مطلب بود که دائماً اینجا بودند و شرارت می کردند. بعد از داخل هم فشارهایی روی من بود. حالا نمی دانم این حکم نمایندگی بعد از اینکه من خدمت امام رفتم و این را گفتم و آن جمله را امام گفت، بود یا قبل از این بود؛ این را من یادم نیست. اگر قبل از این بوده باشد، شاید به لحاظ همین مسائلی که در منطقه بود، امام این حکم را دادند تا نسبت به مسائل منطقه یک آرامشی به وجود بیاید. اگر هم بعد بوده باشد، شاید من که رفتم خدمت ایشان و گفتم که می خواهم برگردم، ایشان هم فرموده حالا که در سنگر هستی، ترکش هم است. من این را یادم نیست.

تنظیم پیام ها و خطبه های نماز جمعه

من قبلی ها را که اوایل انقلاب است، یادم نیست. البته مجموعه فرهنگی است که الآن دارند تمام خطبه های همان نماز جمعه من را پیاده می کنند. اگرچه من خودم خیلی با این کار موافق نیستم و می گویم فقط بعضی خطبه ها را، نه همه. اما می گویند اینها به عنوان سند برای منطقه است، باید همه اش پیاده شود. در آن اوایل یک ملتی که مسئله جنگ و جهاد مطرح بود، معلوم بود که در آن فضا خطبه ها باید چه مایه هایی داشته باشد؛ تقویت جبهه ها و تشویق به جهاد بود که امام هم فرموده بودند همه کشور باید به فکر پشتیبانی جنگ می بودند. خودم هم چند بار به جبهه رفتم و در یکی از این سفرها یکی از دوستان ما، آقای حاج شیخ رسول رضایی، ترکش خورد. آن وقت موضوع خطبه ها بیشتر این مسائل بوده است. سال های طولانی است من در خطبه اول نماز جمعه، خطبه های نهج البلاغه را که یک دنیا حرف دارد، درخور فهم خودم مطرح می کنم.

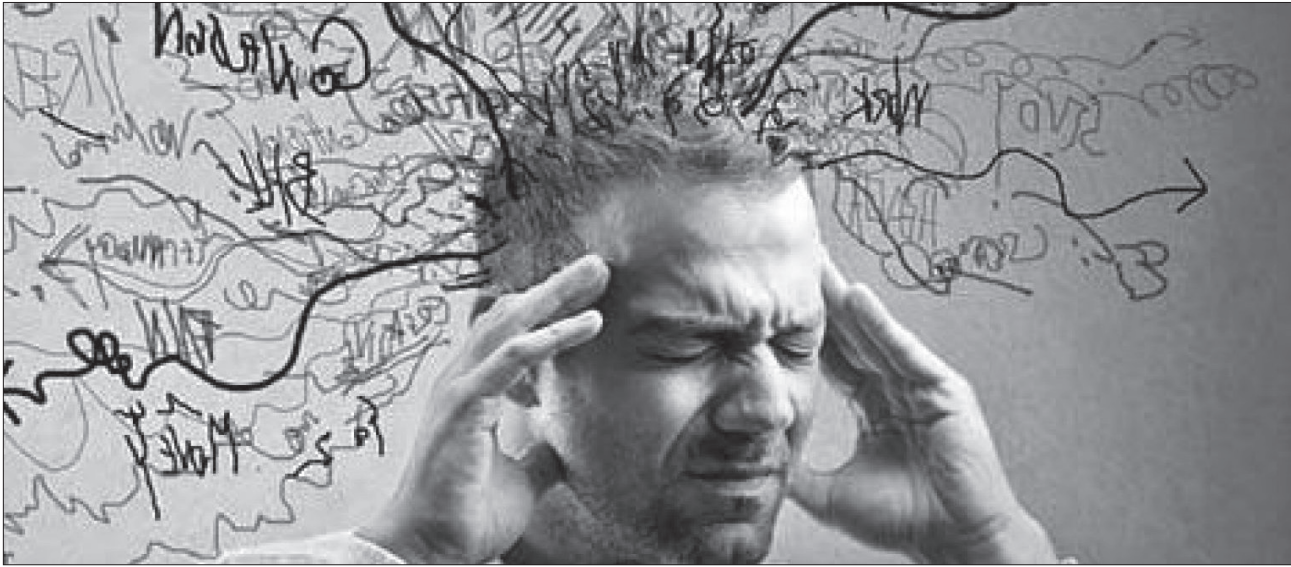
حتی الامکان هم سعی می کنم که بعضی جاهایش را که مسائل فلسفی دارد، پایین تر بیاورم و درخور فهم عامه مردم بیان بکنم. من هیچ وقت در نماز جمعه علیه کسی حرف نزدم. همیشه هم از دولت ها پشتیبانی کردم و هم از مردم. امام جمعه باید هم از نظام و دولت دفاع بکند و هم خواسته های مردم را منعکس کند. من جمع بین هر دو می کردم. معمولاً در خطبه های من و اساس این بود؛ هم دفاع از نظام و انقلاب و دولت می کردم و هم اینکه خواسته های مردم، مخصوصاً مشکلات اقتصادی، بیکاری و گرانی را بیان می کردم. خلاصه، اینها چیزهایی بود که ما در نماز جمعه مطرح می کردیم. اما برای خودم چیزی نمی گفتم؛ حتی یادم است یک وقتی گفتم کسی حق ندارد از من دفاع کند؛ اگر دیدید من را در خیابان به صورت سبلی هم زدند، کسی حق ندارد از من دفاع بکند. می خواهم بگویم که ما باید یک چنین کلیاتی را در خطبه های نماز جمعه رعایت کنیم. شب های جمعه که می شود من واقعا دغدغه پیدا می کنم که برای فردا چه بگویم، چجوری بگویم و چجوری بیان کنم. گاهی از روح امیرالمؤمنین استمداد می طلبم و می گویم یا علی! من دارم خطبه ها و فرمایشات شما را بیان می کنم، کمک کن که برداشت و فهم درستی از اینها پیدا کنم؛ چون می خواهم به مردم منتقل کنم. یا شب های دوشنبه که در مسجد تفسیر می گویم، به خدا می گویم خدایا! این کلام تو است؛ من می خواهم کلام تو را به مردم بگویم؛ اگر یک جایی کمی گیر می کنم کمک کن. به هر حال، اینها کلیاتی است که من فکر می کنم همه آقایان بایستی رعایت کنند. خود آقا هم وقتی ائمه جمعه به دیدارش می روند، همیشه روی مطالعه، فکر کردن، بررسی کردن روی مطالبی که مطرح می شود یا اینکه در نماز جمعه علیه کسی حرف زده می شود تأکید می کنند. گاهی آدم می بیند که بعضی ها مثلاً علیه دولت ها حرف می زنند و به آنها توهین می کنند؛ آخر، تو می توانی نقد کنی، اما توهین نکن. اول اینکه نمی توانی نقد کنی؛ چون نقد کردن دانش می خواهد. دوم، اگر هم می توانی نقد کنی، نقد کن، اما توهین نکن. بعضی ها چون نمی توانند نقد کنند، صرفاً برای اینکه برخی خوش شان بیاید، آن وقت توهین می کنند و بد می گویند. من با این چیزها صدمه صدمه مخالفم و به صلاح نمی دانم؛ نه به صلاح نظام می دانم، نه به صلاح نماز جمعه می دانم و نه به صلاح خود امام جمعه.

خاطرات، انتظارات و توصیه های

حضرت امام نسبت به نمازهای جمعه

هم امام و هم مقام معظم رهبری همیشه به همه ائمه جمعه توصیه هایی می کنند. ما هم اگر بگویم دیگر حرف جدید و تازه ای نیست؛ همان توصیه های کلی است که هم امام داشتند و هم رهبری دارند. یکی از این توصیه ها این است که نماز جمعه باید به گونه ای برگزار شود که همه آنجا را جای خودشان ببینند و احساس غربت نکنند. این نکته ای مهمی است و به این برمی گردد که هم امامان جمعه و هم ستادها برای همه مردم فرش قرمز پهن کنند تا همه مردم با همه گرایش ها سیاسی، چه اصول گرا و چه اصلاح طلب، در آن حضور پیدا کنند. نماز جمعه جای این حرف ها و جناح بندی ها نیست و نباید این رنگ ها را پیدا کند. نباید مردم فکر کنند که نماز جمعه مال یک گروه است؛ زیرا این ضربه زدن به نماز جمعه است. نماز جمعه نماز اجتماع همه است. این برمی گردد به اینکه خود شخصیت امام جمعه یک شخصیت جامع و فراجناحی باشد و ستادها هم همین طور. امروز این هم نیاز کشور است و هم نیاز همیشگی نماز جمعه. اصلاً این بازی ها را باید کنار بگذاریم؛ این دعوای سیاسی و جناحی مشکل را حل نمی کند. امروز کشور ما فقط کار می خواهد، کار می خواهد و کار! و البته، اراده و عزم هم می خواهد. همان نکته ای که رهبری بارها فرمودند: حرکت جهادی. مهم ترین آن هم آن اراده و عزم است؛ اراده و عزم برای پیشرفت، برای خدمت و برای حل مشکلات. حالا می خواهد این گروه باشد یا آن گروه باشد. اینها را باید کنار بگذاریم. ولی اگر اینها بیاید وسط، کشور به جایی نمی رسد.

چگونه موسیقی و فیلم افکار و رفتار ما را شکل می‌دهند؟



چگونه موسیقی و فیلم افکار و رفتار ما را شکل می‌دهند؟ تماشای فیلم‌های خشن و شنیدن موسیقی‌های غمگین ممکن است در لحظه حس خوبی به ما بدهد، اما آیا واقعا این آثار می‌توانند ما را به سمت بیماری‌های روانی سوق دهند؟ دکتر فرید فدائی، روانپزشک، به این پرسش پاسخ می‌دهد و تأثیرات عمیق این آثار هنری بر احساسات و رفتارهای ما را بررسی می‌کند. به گزارش ایرنا زندگی، امروزه بسیاری از افراد روزهای خود را با آهنگ‌های ملایم و غمناک، یا سریال‌ها و فیلم‌هایی با درون‌مایه‌های تراجیک سپری می‌کنند. این گرایش به محتواهای غمگین و تراجیک می‌تواند به عنوان راهی برای تسکین دردهای درونی به نظر برسد، اما دکتر فرید فدائی، روانپزشک، معتقد است کسانی که خلق و خوی افسرده‌تری دارند، بیشتر به سوی موسیقی‌ها و نمایش‌های محزون گرایش پیدا کنند. او می‌گوید: البته همیشه هم نمی‌توان به راحتی علت و معلول را در این میان پیدا کرد، زیرا تأثیرات محیط بیرونی و آنچه از درون و ذهن فرد سرچشمه می‌گیرد، در هم تنیده‌اند و بر احساسات و حالات افراد تأثیر می‌گذارند. او همچنین به تأثیرات محیطی بر جسم اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد که چگونه تغییرات ساده محیط می‌تواند بر واکنش‌های جسمانی اثر بگذارد. برای نمونه، حضور در اتاقی به رنگ آبی روشن باعث ایجاد احساس آرامش و کاهش ضربان قلب می‌شود، در حالی که بودن در اتاقی با رنگ سرخ می‌تواند احساس برانگیختگی و افزایش ضربان قلب را به دنبال داشته باشد. به این ترتیب، می‌توان گفت که نوع محتوا و محیط اطراف نیز به شکل نامحسوسی می‌تواند بر حالات روانی و جسمانی فرد اثر بگذارد.

می‌آید که فردی که با ناکامی و شکستی روبرو شده است، تمایلی به موسیقی یا نمایش اندوهگین پیدا می‌کند و واقعا هم خواندن شعری غم‌انگیز که وصف حال شخص باشد، به آرام شدن و بهبود روحیه او کمک می‌کند. اما اگر تمایل به موضوعات غم‌انگیز تاووم پیدا کرد، معلوم می‌شود که اشکالی در کار است که باید تشخیص داد و درمان کرد. این روانپزشک در ادامه اشاره می‌کند، استفاده از اشعار امیدبخش و موسیقی نشاط‌انگیز می‌تواند تأثیر زیادی بر بهبود روحیه داشته باشد و با ذکر بیتی از حافظ می‌گوید: چه بسیار کسانی که از محبوب خود جدا افتاده‌اند، با خواندن این بیت از حافظ احساس آرامش و امید کرده‌اند: یوسف گم‌گشته باز آید به کنعان، غم مخور/ کلبه احزان شود روزی گلستان، غم مخور/ گرچه منزل بس خطرناک است و مقصد بس بعید/ هیچ راهی نیست کان را نیست پایان، غم مخور، او تأکید می‌کند: زندگی انسان ترکیبی از غم‌ها و شادی‌ها، اشک‌ها و لبخندهاست و نگاه افراد به زندگی می‌تواند تعیین‌کننده رویکرد آنها به این جنبه‌ها باشد. افراد فهیم به زندگی چون یک کمدی می‌نگرند در حالی که فرد ساده‌دل آن را به صورت تراجدی می‌بیند. بسیاری از شاهکارهای امیدبخش زندگی واقعی یا آثار هنری، از دل رنج‌ها و مصائب شدید برخاسته‌اند. او همچنین به تهور، آهنگساز مشهور آلمانی، اشاره می‌کند و می‌افزاید: تهور زمانیکه در اوج دشواری‌ها، بیماری‌ها و کمبودهای زندگی بود، شاهکار جاودان سمفونی نهم را سرود که نویدبخش شادی، دوستی و برادری بین انسان‌هاست. فدائی در نهایت، شادی و شاد کردن دیگران را به عنوان ارزشی والا توصیف می‌کند و می‌گوید: شاد بودن وضعیتی است مطلوب، لیکن بالاتر از آن شاد کردن دیگران است و هنرمندان در این بین جایگاهی ویژه دارند.

هنری نشاط‌آور اشاره می‌کند و می‌افزاید: در مقابل، موسیقی نشاط‌انگیز سبب احساس شادمانی در شنونده می‌شود و با تغییرات مثبت فیزیولوژیک همراه است. سرورهای گروهی احساس مشترک بین شنوندگان پدید می‌آورد و در کودکان سبب آموختن نظم و هماهنگی نیز می‌شود. او به نقش طنز در آثار هنری نیز می‌پردازد و به چارلز چاپلین، نابغه عالم سینما، به عنوان مثالی برجسته اشاره می‌کند و می‌گوید: یکی از کسانی که از طنز و شوخی برای پرداختن به مسائل و معضلات انسانی به بهترین وجه بهره گرفته است، نابغه عالم سینما چارلز چاپلین می‌باشد. او رنج‌های انسانی را با کاربرد طنز به صورتی بیان کرده است که قابل دیدن باشد و بیننده در عین آنکه لبخندی بر لب دارد، از موضوعات ناخوشایند آگاه می‌شود و تمایل به همراهی برای رفع موضوعاتی چون جنگ، فقر، بیکاری و تبعیض پیدا می‌کند. پس از آنکه فیلم‌های صامت جای خود را به فیلم‌های ناطق داد، چارلز چاپلین از آهنگ‌ها و ترانه‌ها برای رساندن احساسات و عواطف بهره گرفت. فدائی تأکید می‌کند: شناخت این تأثیرات و مدیریت آنها می‌تواند به بهبود سلامت روانی جامعه کمک کند و بهره‌گیری از هنر و موسیقی به عنوان ابزارهای روان‌درمانی را به عنوان گامی مؤثر در جهت ارتقای سلامت روان عمومی توصیه می‌کند.

موسیقی و شعر، مرهم دل یا زنگ خطری برای روان؟

فدائی توضیح می‌دهد که چگونه موسیقی، شعر و نمایش‌های غم‌انگیز در مواقعی می‌توانند به تسکین و آرامش افراد کمک کنند و در عین حال، در صورت تاووم، هشدار برای نیاز به درمان باشند. او می‌گوید: گاه پیش

روان انسان بیان می‌کند. این متخصص اعصاب و روان با بیان این حکایت، به توضیح نقش علمی موسیقی در روان‌پزشکی امروز می‌پردازد و می‌افزاید: امروزه نیز به صورت علمی از موسیقی برای درمان مشکلات بیماران استفاده می‌شود و موسیقی درمانی جایگاه ویژه‌ای در توانبخشی بیماران اعصاب و روان دارد. موسیقی می‌تواند برای تسکین، آرامش و بهبود خلق و خو در بیماران مؤثر باشد و به بهبود فرایندهای ذهنی و جسمی کمک کند.

تأثیر فیلم‌های خشونت‌آمیز بر روان انسان

فدائی در ادامه، به وضعیت مشابهی در مورد نمایش‌ها، فیلم‌های سینمایی و مجموعه‌های تلویزیونی اشاره می‌کند و معتقد است: این آثار هنری نه تنها بر روحیه بینندگان اثر می‌گذارد، بلکه خود از جو موجود در جامعه الهام می‌گیرند و تغذیه می‌شوند. این یک چرخه پویاست که در آن هنر و جامعه بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و به صورت متقابل از هم اثر می‌پذیرند. او توضیح می‌دهد که چگونه قرار گرفتن مداوم در معرض موسیقی و نمایش‌های غم‌انگیز می‌تواند بر ادراک و عملکرد روانی افراد اثرگذار باشد. فدائی می‌گوید: قرار گرفتن طولانی در معرض نمایش‌ها و فیلم‌های غم‌انگیز، سبب می‌شود دستگاه عصبی نیز در محرک‌های موجود در محیط، فقط در جستجوی مضامین محزون باشد و در امور گوناگون، جز جنبه‌های غم‌انگیز را نبیند. وضعیت مشابهی در مورد فیلم‌های با مضمون پرخشگرگی وجود دارد. مشاهده این فیلم‌ها در افراد مستعد سبب آشکار شدن پرخشگرگی آنان می‌شود و میزان جرایم پرخشگرانه را در جامعه افزایش می‌دهد. فدائی همچنین به تأثیرات مثبت موسیقی و آثار

تأثیر موسیقی و هنر بر سلامت روان از نگاه ابن سینا

فدائی در ادامه به بررسی اثرات موسیقی و هنرهای نمایشی بر سلامت روان و جسم انسان پرداخته و با اشاره به حکایتی معروف از ابن سینا، به اهمیت تاریخی شناخت ایرانیان از تأثیرات موسیقی اشاره می‌کند. فدائی می‌گوید: در ادبیات عامه ایران نقل است که ابن سینا به‌طور ناشناس با کاروانی سفر می‌کرد. یک شب که همه در خواب بودند، زنگوله‌هایی را که بر گردن شتران آویزان بود، به ترتیب خاصی قرار داد. فردا صبح، شتران آهسته‌تر از معمول حرکت می‌کردند و کاروانیان نیز احساس کسالت و خستگی داشتند. شب که فرا رسید، ابن سینا زنگوله‌ها را به ترتیب جلدایی بر گردن شتران آویزان کرد. فردا، شتران با سرعت بیشتر حرکت می‌کردند و کاروانیان نیز احساس شور و شوق داشتند. در صدر کشف علت این تغییرات برآمدند که ابن سینا خود را معرفی کرد و گفت، این دگرگونی در خلق و رفتار کاروانیان و شتران وابسته به تغییر در صدای زنگوله‌ها بود. ابن داستان، آگاهی عموم را از تأثیر موسیقی بر جسم و

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده

شرکت طرح و توسعه بندر خواجه نفس (سهامی خاص) به شماره ثبت ۹۹۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۷۸۲۳۳

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت طرح و توسعه بندر خواجه نفس (سهامی خاص) دعوت می‌شود که در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده که در ساعت ۱۴ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۲۰ به آدرس تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از شهید بهشتی، کوچه دل افروز، پلاک ۲۳، طبقه پنجم تشکیل می‌گردد، حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:

۱- استماع گزارش هیئت مدیره و بازرسی قانونی منتهی به سال مالی ۱۴۰۲/۱۲/۲۹

۲- رسیدگی و تصویب ترازنامه و صورت سود و زیان منتهی به سال مالی ۱۴۰۲/۱۲/۲۹

۳- انتخاب حسابرس و بازرسی قانونی منتهی به سال مالی ۱۴۰۳/۱۲/۳۰

۴- تعیین روزنامه رسمی کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت

۵- تصویب معاملات موضوع ماده ۱۲۹ قانون تجارت

۶- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده می‌باشد.

هیئت مدیره شرکت طرح و توسعه بندر خواجه نفس (سهامی خاص)

خبر

کشف ۸۱۲ قطعه سکه عتیقه تاریخی در علی آبادکتول

فرمانده انتظامی علی آبادکتول از کشف ۸۱۲ قطعه سکه عتیقه تاریخی در این شهرستان خبرداد. به گزارش روابط عمومی، حسین نوروزی اظهار کرد: در پی اخبار واصله مبنی بر قاچاق اشیاء عتیقه تاریخی در شهرستان، موضوع در دستور کار مأموران انتظامی بخش کمالان این فرماندهی قرار گرفت. وی افزود: با اشراف اطلاعاتی و اقدامات تخصصی یک متهم شناسایی و با هماهنگی مرجع قضائی و طی یک اقدام عملیاتی منسجم و غافلگیرانه در مخفیگاه خود دستگیر شد. وی، گفت: در بازرسی از مخفیگاه متهم تعداد ۸۱۲ عدد سکه تاریخی عتیقه و یک قبضه سلاح شکاری غیر مجاز کشف و پرونده به مرجع قضائی ارسال شد.

چرا شستن لباس ها هنوز هم خسته کننده است؟

شیمیایی مخصوص بشویید.

چگونه بر فرآیند شستشوی لباس غلبه کنیم

به نظر می رسد که بار لباسشویی هرگز تمام نمی شود، اما روش ها و استراتژی هایی وجود دارد که می تواند این فرآیند را تا حدودی آسان کند، از جمله:

قبل از مرتب کردن لباس ها: از چند سبد برای مرتب کردن لباس ها بر اساس رنگ یا نوع پارچه از همان ابتدا استفاده کنید.

یک روال ثابت: دو روز در هفته را به شستن لباس اختصاص دهید تا انباشته نشود.

از چرخه های شستشوی سریع استفاده کنید: اکثر ماشین های لباسشویی مدرن دارای چرخه های شستشوی سریع هستند که به تمیز کردن لباس ها در کوتاه ترین زمان ممکن کمک می کنند و در تلاش و زمان صرفه جویی می کنند.

شوینده های مناسب را انتخاب کنید: از شوینده های همه منظوره استفاده کنید که با اکثر پارچه ها و رنگ ها به خوبی کار می کنند و در مصرف مواد شوینده جداگانه صرفه جویی می کنند.

از نرم کننده هایی با رایحه های مورد علاقه استفاده کنید: بوی خوش لباس های شسته شده می تواند فرآیند شستشو را لذت بخش تر کند و احساس بیزاری از این روتین را کاهش دهد.

استفاده از کیسه لباسشویی برای پارچه های حساس: برای جلوگیری از آسیب دیدن لباس های حساس، ترجیحا در حین شستشو در کیسه لباس شویی مشبک قرار داده شود که بدون نیاز به شستشوی خاص، کیفیت آنها حفظ شود.

لباس های آماده آویزان: در ماشین های لباسشویی خشک کن، پس از اتمام شستشو، ترجیحا از چوب لباسی برای آویزان کردن فوری لباس ها استفاده شود، زیرا به کاهش اتوکشی و جلوگیری از چروک شدن لباس ها کمک می کند.

تا کردن فوری لباس ها: تنها چند دقیقه پس از اتمام شستشو به تا کردن لباس ها، آنها را از دسته یا چروک شدن نجات می دهد، به این معنی که نیازی به اتو کردن آنها نیست.



نیم ساعت خیس بخورد، سپس آن را صاف کنید، آن را بشویید و بگذارید تا خشک شود.

۲- ابریشم

به دلیل نازک بودن پارچه، ماشین لباسشویی می تواند آن را به راحتی پاره یا جمع کند. علاوه بر اینکه برای این نوع پارچه ها شستشوی خشک توصیه می شود. وایتینگ و بوید نیز شستن آن را با دست و آویزان کردن آن بر روی چوب لباسی توصیه کردند. لازم به ذکر است که پارچه ابریشمی را باید دور از آفتاب خشک کنید تا رنگ ها محو نشوند.

۳- کت و شلوارهای رسمی و لباس های چین دار

کت و شلوارها، ژاکت ها و دامن های چین دار می توانند در ماشین های لباسشویی ساییده شوند. بنابراین وایتینگ و بوید برای شستن حرفه ای آنها، خشکشویی را توصیه می کنند.

۴- پوست

وایتینگ و بوید قرار دادن لباس های چرمی در ماشین لباسشویی را منع می کنند، چون ماشین لباسشویی می تواند چرم را چروک یا فرسوده کند. در این موارد توصیه می شود لکه ها و کثیفی ها را به آرامی با دستمال مرطوب تمیز کنید.

۵- لباس دارای گلدوزی

لباس های حاوی گلدوزی را نیز نباید در ماشین لباسشویی قرار داد، چون ممکن است پاره شود. بنابراین توصیه می شود آن ها را با دست شست و یا از طریق شستشو با بخار خشک یا با استفاده از مواد

ماشین های لباسشویی به توسعه خود ادامه دادند تا جایی که عملکردهای شستشو، آبکشی و خشک کردن خودکار در یک چرخه در برگرفت که حاصل این اقدامات منجر به ماشین های لباسشویی هوشمندتری شد که امروز مشاهده میکنیم. ماشینی که مجهز به فناوری های مدرن مانند کنترل الکترونیکی، برنامه های صرفه جویی در مصرف انرژی و امکان کنترل از راه دور از طریق تلفن های هوشمند هم می باشد.

لباس ها هرگز نباید در ماشین لباسشویی بمانند

جدا از اینکه خالی بودن سبد لباسهای کثیف در هر لحظه غیرممکن است، تا کردن لباس ها نیاز به زمان دارد. از این گذشته، همیشه لباس هایی وجود دارد که کارشناسان لباس توصیه می کنند هرگز آنها را در ماشین لباسشویی قرار ندهید. اینها و نکات مشابه آن باعث شده که بار شست و شوی لباس روزافزون باشد. متخصصان مراقبت از لباس، «گوئن وایتینگ» و «لیندسی بوید» در مقاله ای در وب سایت «مارتا استوارت» اشاره کردند که انواع خاصی از لباس ها وجود دارند که هنگام تمیز کردن آنها نیاز به مراقبت ویژه دارند و هرگز توصیه نمی شود آنها را در ماشین لباسشویی قرار دهید که عبارتند از:

۱- ترمه و پشم

قرار دادن ترمه یا پشم در ماشین لباسشویی، ممکن است منجر به گره خوردن و چروک شدن آنها شود. بنابراین وایتینگ و بوید توصیه می کنند این اقلام را با دست بشویید و برای این منظور سینک یا وان حمام را با آب پر کنید و یک شوینده ملایم روی لباس بمالید، سپس آن را در آب فرو کنید. لباس را در آب هم بزنید و بگذارید تا

برای بسیاری از زنان، شستن لباس ها سفری بی پایان به نظر می رسد. علی رغم توسعه فرآیند لباسشویی، از ماشین های لباسشویی و خشک کن های خودکار گرفته تا انواع مختلف صابون ها و شوینده ها برای سفید کردن لباس های سفید و درخشان تر کردن لباس ها، همیشه لباس های بیشتری وجود دارد. به گزارش ایرنا زندگی، امروزه ماشین های لباسشویی اتوماتیک به بخش ثابت از هر خانه ای تبدیل شده اند. اگر چه در مقایسه با روش های شستشوی قدیمی بار زیادی را از دوش زنان برداشته اند، اما شستن لباس ها برای افراد، هرگز به یک فعالیت محبوب مانند آشپزی تبدیل نشده است. شاید یکی از دلایل اثبات این ادعا هم این باشد که برای این کار هیچ کلیپ ویدئویی فیلم برداری نشده تا از لذت انجامش در آن حرف بزند و در شبکه های اجتماعی منتشر کند. علیرغم تلاش های فناورانه برای تسهیل شست و شوی لباس ها، این کار همچنان یک کار روتین و جاری باقی مانده است. انگار بشر توقع داشته است که با اختراع چنین ماشین هایی دیگر فرآیند شستن لباس از لیست کارهای روزمره خارج شود. حال آنکه اینطور نیست. شاید یکی از دلایل آزار دهنده بودن فرآیند شست و شوی لباسها مربوط به این باشد که با دسته بندی و جداسازی لباس ها (مشکی و سفید و رنگی و...)، استفاده از پودرها و نرم کننده ها، تازه کار آغاز شده است و انتظار برای پایان چرخه شستشو و خشک کردن، تا کردن و قرارگیری البسه در جای مخصوص خود شروع می شود. همه اینها وقتی جالب می شود که مرور می کنی این لباس ها برای پوشیدن دیگران است. بد نیست بدانیم که شست و شوی لباس ها در گذشته آزار دهنده تر از امروز بود. سوزان استراسر مورخ، در کتاب خود به نام «بی پایان» به خاطرات یک زن آمریکایی از نواوا اشاره می کند که در سال ۱۸۷۷ شستن لباس ها را به عنوان «وظیفه سختی که همه زنان از آن می ترسند و ترس بزرگ خانگی که خانواده از آن می ترسند» توصیف می کند.

دگرذیسی فعل لباسشویی

وب سایت Cleaning Collective مسیر توسعه لباس شویی را در طول تاریخ ردیابی کرده است. طبق این مقاله، در گذشته لباس ها را با دست می شستند که زنان برای این کار تلاش فیزیکی زیادی داشتند. ابتدا لباس ها را خیسی می کردند و آنها را به صورت دستی با استفاده از تخته های شستشو و گاهی اوقات با استفاده از سنگ ها در رودخانه ها می شستند که با این روش ساعت های زیادی طول می کشید تا لکه ها از بین بروند.

در اواخر قرن هجدهم، ماشین های لباسشویی دستی ابتدایی وارد بازار شدند که به یک حرکت ساده برای تمیز کردن لباس ها متکی بود. در آغاز قرن بیستم، جهان شاهد نوآوری ماشین های لباسشویی برقی بود.

شده فرد متقلب در تحقیقات پلیسی اعلام کرد که تعداد ۶ سکه تقلبی را در بازار طلا فروشان به فروش رسانده است. تجری با اشاره به تشکیل پرونده با دستور قضائی متهم روانه دادسرا شد، به شهروندان توصیه کرد: ضمن خرید سکه و وجوهات ارزی از فروشگاه های معتبر و دارای مجوز قانونی، همواره مراقب افراد شیاد و کلاهبردار باشند و در صورت مشاهده موارد مشکوک، مراتب را سریعاً از طریق شماره تلفن ۱۱۰ به پلیس اطلاع دهند.

طلا فروشان، بررسی موضوع در دستور کار مأموران انتظامی شهرستان گرگان قرار گرفت. وی افزود: با هوشیاری و گزارش به موقع طلا فروشان، مبنی بر حضور مشکوک مردی برای فروش تعدادی سکه، متهم در حال فروش سکه های تقلبی در یک طلا فروشی در اقدامی غافلگیرکننده توسط مأموران کلاتری ۱۲ دستگیر و پس از انتقال به مقر انتظامی در تحقیقات اولیه انجام شده به بزه ارتكابی خود اعتراف کرد. وی، با اشاره به کشف سه عدد سکه تقلبی از متهم، یادآور

دستگیری فروشنده سکه های تقلبی در گرگان

فرمانده انتظامی شهرستان گرگان از دستگیری فروشنده سکه های تقلبی در این شهرستان خبر داد. به گزارش روابط عمومی، علی تجری اظهار کرد: در پی اخبار واصله مبنی بر فروش سکه های تقلبی توسط یک مرد به زرگران در بازار